

<p>قیمت اشتراک</p> <p>سالانه در آلمان ۱۰۰ مارک   ۶۰ مارک در ایران و یک لیره انگلیسی   ۱۲ شلینگ سایر ممالک</p> <p>***</p> <p>قیمت هر شماره برای تک فروشی در ایران پنج قران است</p>		<p>این روزنامه هر ماه یک بار در ۱۶ صفحه در برلین نشر میشود.</p> <p>عنوان مراسلات: Rédaction „Kaveh“ Berlin-Charlottenbourg Leibnizstraße 64</p>
<p>۳ اکتبر ماه فرنگی ۱۹۲۱ میلادی No.10 Jahrg.2 Neue Folge</p>	<p>۲۴ اردی بهشت ماه قدیم ۱۲۹۰ بزرگدردی غره صفر سنه ۱۳۴۰</p>	<p>آدرس تلگرافی: Rouznakaveh Berlin کافی است</p>

## خیالات گوناگون

بینش هندی و بینش یونانی (۱)

این یکی عقل و منطق عقلی و قیاس و برهان را پیروی نموده است. چون در واقع شاید نه این خاصیت روحی در تمام ملل و نژادهای مغربی ذاتی و فطری و عمومی است و نه آن جنبه تیز و همی در طینت کافه ملل مشرق سرشته است لهذا در مقام غور در منشأ اساسی این دو جنبه مختلف ممکن است دو فرد کامل نشان داد که یکی نمونه اظهار بینش عقلی و دیگری مثال آکل بینش اشراقی باشد. ما این دو نمونه را در هند و یونان می بینیم و تصور میکنیم بهمین جهت بتوان طریقه تصورات و جویندگی مشرقی را «بینش هندی» و شکل تفکر و بحث و فحص مغربی را «بینش یونانی» نام داد و گمان کرد که جهت فرق بینش مشرقی با بینش مغربی که از قرون قدیم آثارش نمایان است و امروز دهور مانند دو خط مستقیم غیر متوازی بعد این دو طریقه نظر از همدیگر زیاده شده همانا استیلای سلیقه یا فلسفه هندی در میان ملل آریائی و بعدها ملل سامی مشرق و نفوذ اساسی آن در روح این اقوام از یک طرف و همچنین نفوذ و انتشار رسوم و آداب و شکل زندگی و تفکر و تمدن و سایر اوضاع اجتماعی یونان در میان رومیها و آریائیها از ملل لاتین و ژرمن و غیره از طرف دیگر بوده است که از همان ابتدا بواسطه مقتضیات جغرافیائی و نژادی و وقایع تاریخی و روابط سیاسی و اقتصادی و مذهبی مشرق زمین این راه را پیش گرفته و مغرب در آن راه جلو رفت تا وقتیکه با کون انگلیسی (۱) و دیگران در قرون نهضت تجدید و بیداری اخیر اروپا اساس تفکر و طریقه فحص را یک قدم دیگر نیز پیش برده و برهان ائی را بجای طریقه ائی فلسفه ارسطو مبنای تحقیق و مدار بحث در حقایق کون کردند و بدین قرار فرق فاحش تمدن شرقی و غربی باز بیشتر گردید.

علاوه بر اسباب سیاسی — که انتقال تمدن یونانی بروم و بسط و عظمت حکمرانی این آریائی یونان در اروپا در قرون مدیده متوالیه نیز از (۱) François Bacon متولد در سنه ۱۵۶۱ میلادی و متوفی در سنه ۱۶۲۶ مؤسس یا یکی از مؤسسين فلسفه مبنی بر تجارب عمل و قیاس ائی است.

از اشخاص اهل فکر و نظر و ارباب علم و خیر البته هر فردی بشخصه یک سلسله عقاید و خیالات فلسفی مخصوصی دارد که در دیگری عین آن عقاید مطابق التعل بالتعل ممکن نیست وجود داشته باشد و لابد اختلافی در طریقه نظر خواهد بود یعنی در واقع هر شخصی چه باقتضای طبیعت مزاجی و ساختمان بدنی و عصبی و چه بتأثیرات تربیت ایام جوانی و عواملی که در آندوره انسان در تحت اثر آنها رشد کرده و بزرگ میشود دنیا و زندگی را بچشم دیگری و یا باصطلاح عوامانه با عینک دیگری میبیند. این اختلاف بینش در میان علمای دو قوم باز بیشتر است چه در میان اشخاص مختلف یک ملت باز تعلیمات و عقاید و آراء عمومی و طرز تربیت و تفکر خیلی متقارب است ولی در میان دو طبقه مردم یا دو ملت اختلاف خیلی بیشتر است و در مورد دوم تأثیرات نژادی و آب و هوا نیز دخیل است. بالأخره در میان حکما و علمای دو قطعه خیلی دور دنیا اختلاف فهم و نظر باز هم بیشتر است. بالاتر از همه این اختلافات فرق بینشی است که از قرون قدیمه میان ملل مغرب و مشرق بوده و هست. این فرق را که در واقع در طریق تصور و حل حقایق کوبه و در سلیقه حکم و استنتاج بوده میتوان باین تعبیر توضیح نمود که آن حالت روحی یا عمل دماغی که فلسفه شرقی را تولید مینمود بیشتر اساس روحانی و آسمانی داشته و اساس تفکر غربی جسمانی و زمینی بوده آن یکی وهم و حسن و خیالات و سیر در ماوراء طبیعت را رهنمای خود ساخته و

(۱) برای کلمه فرانسوی «conception» و یا «conception du monde» که شاید بهترین کلمه برای فهمانیدن معنی فلسفی آن کلمه آلمانی «Weltanschauung» است و باصطلاح حکمتی شاید نظر بصورت در آفاق و انفس توان گفت ما کلمه «بینش» فارسی را استعمال کردیم و مقصود از آن طریقه تفکر و تصور و نظر هر کسی است در حقیقت و امور این عالم کون و فساد.

دارند ولی با جکدار انگلیس و در تحت نظارت و قیمومت او بوده حق ارتباط سیاسی با ممالک دیگر دنیا ندارند. وقتیکه درست در ستر حالت سیاسی و اجتماعی این ۳۱۶ میلیون (۶۳۲ کرور) نفوس که در زیر حکم و حکومت جزیرهٔ بزیتانی میباشد غور کنید بی اختیار در این نکته تأمل خواهید نمود که چگونه این قطعهٔ جسم که درست بیست برابر آن جزیرهٔ دور دست است گرفتار پنجهٔ استیلای سیاسی و نظامی و اقتصادی و علمی ساکنین آن شده سهل است عدهٔ چوبانهائی که آن مالک با ثروت برای نگاهداری و ضبط و ربط این کلهٔ بزرگ ششصد کروری گماشته تا بیست سال پیش بیش از سی هزار نفر نبوده و نا ظهور جنگ اروپائی (سنه ۱۳۳۲) منتهای شصت هزار نفر میرسید. آیا ستر این استیلای عجیب آن قوم کوچک و یا بعبارت صحیح تر زیر دستی و تبعیت غرب این ملت بزرگ جز در طریقهٔ تمدن و زندگی و مخصوصاً افکار و بینش آنهاست؟ و آیا ریشهٔ این علل و اسباب ظاهری بهمان تمدن جسمانی و مادی و فلسفهٔ طبیعی و عقلی و با اصطلاح خودمان به بینش یونانی ملل مغرب و فلسفهٔ وهمی و طریقهٔ سیر در معارج ملکوت علوی و مدارج روحانی و ترک تعلقات جسمانی خود هندیان نمیرسد؟

تمدن ایران  
بدبختانه با وجود فرق عظیمی که در قوت جسمانی ملت ایران با ملل هندی و در گذارش تاریخی این دو مملکت بوده و هست اساس و مایهٔ تمدن ذاتی و مخصوصاً بینش قوم ما از سر چشمهٔ هندی است یا اقلاً شباهت تامی به بینش هندی دارد. علل اساسی این فقرهٔ تماماً روشن نیست. شاید علاوه بر نژاد آریائی (۱) مشترک با هند خصوصت سیاسی و جنگهای تاریخی قرون قدیمه میان ایران و یونان نیز تأثیر مهمی در این فقره داشته و کدورت روابط سیاسی روابط علمی و مدنی ما را نیز از آن سر چشمهٔ نور معرفت و خورشید تربیت عالم بریده و تعصبی در میانه ایجاد کرده که کسب علوم و معرفت را نیز مشکل نموده است. چون پس از جنگهای طولانی میان ایران و یونان بالأخره یونانیان مملکت ما استیلا جسته و قریب هشتاد سال مستقیماً و نزدیک به یازده سال بطور غیر مستقیم ایران در زیر حکمرانی یا نفوذ مدنی آن ملت ماند و در عهد اشکانیان نیز مملکت ما اغلب با رومیان که وارث تمدن و سلطنتهای یونان شده بودند در زد و خورد و محاربه بود لهذا ملت ما رستخیز ثانوی خود را در دست اردشیر با بکان یک نجابی از تسلط یونان و نفوذ «هلنیزم» شمرده

آنجمله است - یک سبب عمدهٔ دیگر نیز این دو تمدن یعنی مشرق و مغرب را از همدیگر دورتر کرده و رنگ آنها را کاملاً مختلف نمود. این عامل تازه انتشار دین مسیحی بود در مغرب زمین. این دین مشرقی که از فلسطین از میان یک قوم ساری ظهور کرده و اساس آن با خیالات یونانی هیچ تمساخت و بدین جهت مدنی فلسفهٔ یونانی را که فلسفهٔ کفر میسرمد تکفیر و طرد مینمود بواسطهٔ انتقال آن از مشرق مغرب و استحالهٔ اش باقتضای تأثیر طبیعت متدینین جدید بآن دین بتدریج کسوت یونانی گرفته و یا تمدن یونانی تمدن مسیحی شده و از بحرای آن دین در میان بعضی اقوام دیگری از ملل اروپا هم که مستقیماً در تحت تربیت سلطنت روم نیامده بودند انتشار گرفت. از آنجمله مثلاً ملل اسلاو و مجار و بعضی دیگر از آنگلی که مرکز روحانیت و مرجع تقلیدشان پایتخت روم و بیزانس بود نیز با وجود آنکه خیلی از اساسهای اجتماعی آنها مشرقی بود باز شکل زندگی و تمدن و هم طریقهٔ بینش یونانی آشنا شده و خو گرفتند.

هندوستان  
تمدن آن  
در اینکه هندوستان یک فلسفهٔ عالی را دارا بوده و هست و برهمنان و حکمای آن مملکت بر از عجایب و مؤسین مذاهب آن خیالات بسیار بلندی از وجود و انسان و اسرار خلقت داشته اند شکی نیست و حتی شاید بعضی مفتونین فلسفهٔ ماوراء الطبیعه و سیر عوالم لاهوتی و مقامات مکاشفه و یا والهین در علو فلسفهٔ «ودانسیسم» اصلاً این بینش هندی را علوی و بینش یونانی را که مبنای آن بیشتر بر حکمت طبیعی است سفلی خوانند و فرق این را با آن فرق بصر و بصیرت دانند. این مملکت عظیم که از قرون قدیمه قبل تاریخی تا امروز تا اندازه ای با یک نوع عزلت و تجرد دور از جریان وقایع تاریخی ممالک مغربی و مشرق بسر برده از تأثیرات علوم و عقاید و فلسفه و مذاهب و تمدن قطعات دیگر زمین خیلی کم اثری یافته و بهمان سلیقه و طریقهٔ زندگی قدیم و تصورات دیرین خود در میان کوههای بلند و دریاها که از هر سمتی آرا احاطه کرده اند مداومت داشته است. این مملکت حالا در چه حال است؟

هندوستان که وسعت مساحت آن قریب نصف قطعهٔ اروپا و نفوس آن قریب چهار خُس تمام اروپا است (۱) بموجب احصائیهٔ آخری سنه ۱۳۲۹ قریب سیصد و شانزده میلیون نفوس دارد که در صدی بیست و یک مسلمان و باقی هندو هستند. از تمام این مملکت استثنای قریب ۱۴ نرسخ مرتب مصرقی فرانسه و قریب ۱۰۰ نرسخ مرتب مستملکتهٔ پرتگال سه خُس باقی مستقیماً از طرف انگلیس اداره میشود و دو خُس دیگر متعلق به ۶۹۳ پادشاهان بومی بزرگ و کوچک است که کم یا بیش استقلال داخلی

(۱) در واقع ۷۹ در صد نفوس اروپا

(۱) آریا و آریان در اصطلاح علمای علم معرفهٔ الاقوام رفته الله بآن قوم و زبان قدیمی اطلاق شده که در زمانهای قبل تاریخی در آسیای مرکزی بوده و پسر جمع منشعب بدو شعبهٔ هندی و ایرانی شده اند که اقوام آریائی هند (نه ملل جنوبی آن مملکت) و اقوام ایران از افغانی و بلوچی و گزرد و اوست و تاجیک هم از آن نژاد هستند و اصل زبانشان یکی است. اطلاق لفظ «آریا» همهٔ ملل هند و اروپائی که گاهی در جراند و کتب ایرانی دیده میشود صحیح نیست و ملل آریائی یک شعبه ای از ملل هند و اروپا هستند.

و افکاری که مشعل عالمتاب معرفت و ترقی عقل و علم بشری در عالم شدند آشنا شده و زبان بومی خود ترجمه کنند. و کفاره غفلت قرون متمادیه را از استفاده از آن اقیانوس حقیقت و نور انسانیت که تمام نوع انسان تا صد هزاران سال نسل بعد نسل مرهون شکران و مدیون امتنان آن خواهد بود و بلاشک منشأ تمدن حقیقی در عالم و پدر تمدن اروپای حالیه بوده بدین طریق ادا نمایند.

### مولدین ثروت و مستهلکین آن

در زمان جنگ عمومی گذشته در ایالات متحده آمریکا بیست و سه هزار نفر برعده «ملتی ملیونر» ها یعنی آنانکه چندین میلیون دلار ثروت دارند علاوه شده و مملکت آمریکا که متمولترین ممالک عالم است در اغلب ممالک دنیا برای امور خیر و اعانت فقرا و قحط دیدگان پول زیادی قریبه الی الله خرج کرد. از آنجمله بنا بر معروف آمریکائیهادر آذربایجان قریب یک میلیون تومان برای تخفیف ابتلای مسیحیان بدیختی که آواره و در بدر شده و از قتل عام جان بدر برده بودند و هم چنین مسلمانان گرسنه و آواره و در طهران قریب سیصد و پنجاه هزار تومان (۱) برای نجات دادن فقرای مبتلا بقحط و حصه از شدائد صرف نمودند. در همین زمان جنگ در ایران هم عده ای از اعیان و ملائکین و بزرگان و بزرگترین نمون پیدا کردند ولی اینها درست برعکس آمریکائیها از گرانای نان طهران و احتکار غله با ثروت شدند لکن در همین زمان جنگ نه مملکت ایران با وجود بیطرفی او ثروت زیادی پیدا کرد و نه خزانه دولت ایران با وجود استمهال در اقباط قروض خارجه منظم و برشد و جمع و خرج آن معادله پیدا نمود در صورتیکه سایر بیطرفها خیلی ثروت هنگفت اندوختند و باز در صورتیکه دول خارجه خیلی پول نقد در ایران ریختند. دولت ایران ماه بماه با حاصل تسعیر سی هزار لیره ایکه بانک روس و انگلیس از بابت استمهال قروض (موراتوریم) در صورت راضی بودن از حرکات او بوی می پرداختند گذران میکرد و تجار ایران هم پولشان را بیول کاغذی روس تبدیل کرده و منتظر ترقی منات نشسته بودند.

جهت این اوضاع اگر چه منحصر بیک نکته نیست لکن بدون شبهه یکی از جهات عمده این فقر عمومی و رواج احتکار و بازبهای صرافی همانا تمرکز و انحصار خیال مردم است در تحصیل ثروت فقط از راه امور راجع بعامة و در واقع حکومت مرکزی مملکت برای این قبیل مردم بمنزله چشمه طلائی است که مردم دیگر بحسب قرب و بعدشان بسر چشمه آن دامنی بر میکنند. اگر متمولین درجه اول و دوم ایران را بشمارید و یک احصائیه ای از آن ترتیب بدهید بلاشک در صد نود و پنج از این قبیل اشخاص از «بزرگان» دولت و شاهزادگان و اعیان و وزرای (۱) این اعداد بنا بر مسوع ثبت شد و تحقیق صحت آنها بر نگارنده مبسر نیست.

و باز با حیا علم و حکمت قدیم و بومی ایران همت گماشت و باز باروم بچنگ در افتاد. در واقع دشمنی سیاسی روابط بین این دو ملت را بقدری تیره کرد که ایرانیان از هر چه یونانی و رومی است حتی علم و تمدن نفرت نموده و دوری جستند چنانکه نظیر آن در همین عهد دیده میشود که وطن پرستان مفرط ملل مشرق بواسطه تجاوزات اروپائیان بر استقلال و حقوق سیاسی آنها و تصرف خاکشان از جانب ملل فرنگ چنان دشمن اروپا میشوند که حتی به تفوق تمدن آنان نیز نمیخواهند بلا شرط اقرار کنند و مثلاً هموطنان ما ساختشان میآید قبول کنند که اجبار مابالغای برده فروشی در ۴۰ سال قبل بموجب یک عهد نامه جبری و گرفتار امتیاز تلگراف کشیدن در ایران در سنه ۱۲۷۹ و لو بوسیله تطمیع و تهدید و وعد و وعید هم بوده مارا شصت سال از افغانستان همسایه بلا واسطه هند در تمدن پیش انداخته و تازه امروز جراید جدید القهور کابل با افتخار و مباهات در ضمن اصلاحات جدید پادشاه مستبدشان در مملکت بی تلگرافشان خبر از حکم الغای فروش غلام و کنیز (شاید محض خوش آمد دولت ساویتی روس) میدهند. باری در عهد ساسانیان علاوه بر جنگهای بیابانی ایران و روم یک عامل دیگری نیز اختلاف طریق مشرق را با مغرب زیاد کرد و آن رواج و استقرار دین مسیحی بود در اروپا و سخت گیری و طرد و قتل و زجر موبدان زردشتی و سلاطین ساسانی مسیحیازرا. بعد از انتشار اسلام در ایران با وجود صلح خلفا باروم و ترجمه کتب یونانی بعربی (۲) و کثرت علمای سریانی نژاد یونانی دان و حرانیان پیرو مذاهب قدیم یونان و حفظه فلسفه آن در بغداد و مراکز عمده ایران غربی باز همین احتراز و اجتناب از ملل مسیحی اروپا و علوم و آداب آنان بوده که تا امروز مارا از کسب علم و تمدن مغرب و راه یافتن بطریقه بینش یونانی که اساس تمدن و آزادی است باز داشته و از حقیقت و جوب طلب علم «ولو در چین» و مفاد «خذوا الحکمة ولو من السنة المشرکین» غافل گذاشته است.

بعقیده دانایان و متتبعین در اسرار ترقی و تمدن یکی از لوازم کتب یونانی اساسی کسب تمدن مغربی و بینش یونانی» هنوز هم همانا ترجمه در زبان فارسی کتب فلسفه و حکمت یونانی است. این فقره در ایران نیز یکی از اساسهای نهضت جدید خواهد بود ولی بسیار اهمیت دارد که این ترجمه ها مستقیماً از زبان قدیم یونانی بعمل آید و طالبین علم و معرفت از ملت ما نیز بلا واسطه بآن خیالات

(۲) حتی در یکی از عهدنامه های صلح که با امپراطورهای بیزانس بسته شد خلیفه غالب حق جمع آوری و خریدن نسخه های کتب یونانی را شرط کرده و در عهدنامه گنجانید و امپراطور مغلوب را بقبول آن مجبور کرد چنانکه ویشنگتون در کتاب خود موسوس به «تاریخ طب» این فقره را بیان میکند [بمنقل برون از او در کتاب «طب عربی» صفحه ۶۷].

قدیم و اولاد آنها و حکام سابق است و شاید پنج در صد از ملّاکین و نجار، لکن در همه آمریکا در میان هزاران ملیوژها در صد یک نفر هم مأمور دولت نیست و مأمورین دولت و وزرا در ممالک متمدنه غالباً پس ازینجاه سال خدمت متوسط الحال هستند و گاهی هم فقیر ولی نادراً توانگرند. در آن ممالک تحصیل ثروت از راه کارهای تجارتی و صنعتی و آبادانی و صنایع مستظرفه است نه از استفاده از امور عامه.

کاروسو آوازه خوان ایتالیائی در این اواخر وفات کرد و ثروت مهمتی از خود بیادگار گذاشت<sup>(۱)</sup>. مشارالیه در جوانی فقیر بود و همه این ثروت را با آواز خوش خود بدست آورده بود. در آمریکا وزیر امور خارجه سابق آقای براین با خواندن خطابه های علمی معیشت خود را اصلاح میکرد و رئیس جمهوری سابق روزولت بواسطه نوشتن مقالات تحصیل معاش مینمود. لکن در ایران عمر آقا حسینقلی تارزن معروف در فقر بیابان رسید ولی یک وزیر و صدر اعظم نادانی که افتخار میکرد که در موقعیکه پیش مجلس ملی آمد وکلای ملت هیچ ایرادی باو نتوانستند بگیرند جز آنکه او را در عقل و فهم بیکی از حیوانات کم فهم تشبیه کردند صاحب چندین کرور تومان شده بود.

امکان تحصیل ثروت گلی با زحمت کم از راه امور عامه موجب آن شده که تمام جوانان تربیت شده و با همت نیز با ادارات دولتی هجوم میکنند و هر کسی خواب وزارت و سفارت و حکومت و ریاست یک اداره را می بیند و تقریباً تمام شعب امور دولت در داخله و خارجه منشأ مستقیم تحصیل ثروت گردیده است.

مادامیکه در مملکت کارهای مولد ثروت شروع نشده و همت جوانان عالی همت معطوف این امور نگردیده منتظرین کارهای دولتی با استفاده از امور عامه چندین برابر مأموریت های موجوده در مملکت خواهد بود و در مقام رقابت و مسابقه در ربودن این لقمه چرب و نرم از دست همدیگر در اسباب چینی و دسائس ورزش نموده متوسل بدسیسه های سیاسی و روحانی و نفوذ خارجه شده در هتّاکی و فحاشی و عربده و نهید از یکطرف و تملق و تعارف از طرف دیگر مشق استادی میکنند و بالأخره هر منصبی نصیب آنکسی میشود که از همه متدعیان آن مقام در دسائس و شرارت بالاتر است و محض لزوم اسکات او و برا سر آن کار میفرستند و باقی شروع میکنند باعلان جنگ با اولیای دولت. بالأخره راضی کردن آهسته نفوس و تسکین طمع آنان با حاصل عایدی فقط چند هزارده خرابه در ایران و نتیجه کار روستائیان فقیر سمی در محال میشود و هر وزیر در مقابل این مسئله «بفرنج» عاجز میماند. بهمین جهت است که وزرای ایران زود زود از میدان در میروند و سدّ سکندر هم در مقابل هجوم حملات اینهمه نفوس طماع تاب نمیآورد. پس ادارات و

نتیجه این ترتیب که آرا بکمی کارکنان در کارهای مشر<sup>(۱)</sup> و کثرت مستهلکین<sup>(۲)</sup> میشود توضیح کرد آنتست که اولاً امور عامه و مشاغل راجع به اداره کارهای مملکت و ملت باقتضای قاعده بقای اکمل میگذرد بدست کاملترین مردم در اسباب چینی و شرارت و بیملاحظه گی و عدم تقید بهیچ قید اخلاقی و وجدانی و ثانیاً این اشخاص باید بضرر مملکت و از رعیت زبان بسته بموجب قوانین علم اقتصاد در کثرتن مدت ممکن بالاترین دخل ممکن را در بیاورند و این نمیشود جز بافروندن بمقیاس بی اعتدالی بتدریج تا وقتیکه مردم بصدا در بیابند مانند یک شیر فروش منتقلی که بواسطه ترایدروز افرون طمعش و مجله در دخل گلی هر روز مقدار آبی را که در شیر داخل میکرد زیاد تر از دیروز کرده و مواظب ترش روئی و خوشروئی مشتریان خود میشد و چون میدید از مردم صدائی بلند نشد فردا میزان آب مخلوط را باز بیشتر میکرد تا روزیکه مردم بصدا در بیابند. حالا مبشرین امور عامه در ایران هم بهمین قرار رفتار میکنند ولی بیک فرق که بواسطه ورزش زیاد در کار و استادی در آن و ملاحظه مقتضیات زمان و وفق دادن طریقه (متود) کار را بدوره مشروطیت همانطور که علمای علم اقتصاد مالیات غیر مستقیم محض اغفال مردم و صدا در نیامدن از مردم بجای مالیاتهای مستقیم وضع کردند بهانقرار علمای علم ثروت تا مشروع در ایران نیز بجای آنکه بترتیب معمول سابق مانند آن شیر فروش از کاه و جو اسبهای سواره نظام، از عرض و طول لباس سرباز، از مصالح لوازم کار دولتی، از مخارج کارهای دولتی و غیره برای نفع شخصی خود متصل کم کرده و از رعیت مملکت دائماً بمنوان تفاوت عمل و غیره بیشتر دخل در بیاورند با کمال هوشیاری طریقه های عجیب و غریبی اختراع کرده اند.

این ترتیب هجوم بمخدمات دولتی و مشاغل دیوانی و با باج سیبیل گرفتن از اولیای دولت بناوین مختلفه که در شهر طهران صدها انواع آن موجود است و هر صاحب نفوذ یا بادست و پائی از دولت جزیه میگیرد باعث عمده بیدوای حکومت مرکزی و شدت اسباب چینی و افلاس اخلاق و هرج و مرج امور شده است. نه تنها امروز بلکه بدبختانه از قدیمترین زمان تاریخ که ما اطلاع داریم اسباب چینی و دسائس نزدیکان بدولت کار حکومت مرکزی را در ایران متزلزل ساخته و دخل تا مشروع بهمین ترتیب رواج داشته است. کز نفون مورخ دانای یونانی که ذکرش در شماره ۸ گذشت در خصوص قشون اردشیر دوم از سلاطین هخامنشی مینویسد که بزرگان و سرداران ایران محض جلب منداخل از مواجب و جیره

(۱) «سی ملیون» لیر ایتالیائی.

مذهب کاتولیک و تعصب پیشوایان و علمای آن عقل را از کار انداخته و معزول و محبوس کرده بود و اگر هم عقل از محبس خود بدستبازی اشخاص بیدین فرار کرده و در گوشه ای از اروپا علم باغیگری برمیافراشت و رسماً میان عقل و دین اعلان جنگ ابدي میشد که میدانند که عاقبت کدام غالب میآید و اگر هم عقل و طرفداران او غالب میشدند چقدر طول میکشید و شاید اصلاً دین و اخلاق حمیده را که در قلمرو او است بکلی برمیانداختند و از این راه مصترافی پیدا میشد و بآنکه دین و در واقع تعصب غلبه میکرد و عقل را تماماً اسیر و دستگیر میساخت و چنان حبس میکرد که دیگر راه فرار بر او مسدود میشد و بهر حال در آسورت عقل و دین در حال جنگ میشدند و بیرون عقل در حکم باغی و خارج از قانون بود. لوتر خواست عقل را نه از راه عصیان بدین بلکه بدست خود دین از محبس بیرون بیاورد و با دین متحد نماید و سلطنت حقیقی عالم را بعقل بدهد و ثابت کند که دین مخالف عقل نیست.

در سایه سلطنت عقل بود که علم و حکمت رو بنمو گذاشت و بار آورد و دین مسیح در اروپا ترقی کرده و بایدار شد و لهدا هم علم و تمدن و هم دین مسیحی تا بدین مدیون خدمات لوتر خواهند بود و اگر چنانچه در ممالک کاتولیکی هم آزادی و ترقی و تمدن پیدا شده باز از انعکاس تأثیر قدرت مذهب پروتستانت در سایر ممالک است چنانکه تخفیف استبداد سلاطین ممالک دیگر از تأثیر جمهوریت فرانسه بود. این تجدید اصلاحی که پس از مجاهدات خونین بالآخره صولت و سطوت پاپ و علمای روحانی متعصب فرنگستان را در هم شکست با مهاجرت حکمای یونان از اسلامبول و پناه بردن آنان با اروپا و اختراع مطبعه و انکشاف قطب نما اسباب عمده نهضت تمدن جدید شمرده میشوند.

برای اصلاح لوتر در اسلام نظیری نمیتوانیم پیدا کنیم. اجتهادات ابن تیمیه (۱) و اصلاح محمد بن عبدالوهاب (۲) مؤسس مذهب وهابی که در واقع از طریق ابن تیمیه اخذ شده بود، طریقه شیخ احمد احسانی، دعای غلام احمد قادیانی (۳) هیچ کدام اصلاحی اساسی مبنی بر روح تساهل (۴) و مدارا نبود بلکه بعضی از این طریقهها تعصب را شدیدتر

(۱) تقی الدین ابوالقیاس احمد بن عبدالحمید بن عبدالسلام بن عبدالله بن محمد بن تیمیه الحنبلی متولد به ۶۶۱ و متوفی سنه ۷۲۸ - مشارالیه در دمشق نشوونما یافته و یکی از علمای معروف شد که در واقع مینخواست اسلام را بحالت اصلی خود بر گردانیده و حشوو زواید عارض بر آنرا براندازد.

(۲) محمد بن عبدالوهاب مؤسس مذهب وهابی از اهل عیان در مرکز عربستان که در سنه ۱۱۵۸ مذهب خود را که مبنی بر تصفیه اسلام از بدعتها بود برپا کرد و در حدود سنه ۹۵ سالگی وفات کرد.

(۳) میرزا غلام احمد قادیانی مجدد اسلامی هندی است که در اواخر قرن گذشته از قادیان (که قریه ایست در ۳ فرسخی شمالی غربی نصابه از مملکت پنجاب در هندوستان) ظهور کرد و خود را مسیح موعود و مجدد اسلام خوانده طریقه معروف با حدیثها باقی شد که از طرف خلیفه او حکیم نور الدین و خلیفه ثانی وی میرزا بشیر الدین محمد احمد که حالا در حیات است ترویج میشود.

(۴) Tolérance

قشونی که در زیر اداره آنها بود حملان و نانوایان و آشپزها و سابقان و دلاکان (۱) خود را و همچنین پیشخدمت متان خود را که کارشان چیدن و بر چیدن سفره و خوابانیدن و بیدار کردن ایشان و مشتمل کردن و عطر زدن بآنها بود در جزو سواران لشکری داخل میکرد و سنان میدادند (۲) و از این فقره واضح میشود که لذت مداخل در ذائقه بعضی بتوارث نسل بعد نسل نشو و نمایافته و طبیعت ثانوی شده و فقط اصلاحات اساسی (نه ماست مالی) میتواند این صفت ردیله را که یکی از اسباب عمده هجوم مردم بادارات و دخول در بازی سیاست و حمله بوزراء است تخفیف دهد. شاید یکی از بهترین کارها برای علاج این مرض مهلک یعنی درد منصب دوستی و هجوم بمشاغل دولتی آن باشد که تأسیسات صنعتی و مخصوصاً صنایع ماشینی در مملکت ترویج شود و محصلین علوم بیشتر فنون ماشینی ساده و کوچک را بیاموزند و بتدریج کار مشر در مملکت زیاد شود و البته این فقره نیز مانند هزار کار دیگر فرع رواج تعلیم عمومی است.

## مشاهیر مردمان

مشرق و مغرب

— ۵ —

لوتر (۲)

یکی از مشاهیر بزرگ عالم که تمدن جدید اروپا بلاشک باندازه مهمی مرهون مجاهدات او است مارتن لوتر مجدد عظیم مسیحی است. تمام علمای فرنگ اجماع دارند بر اینکه اگر لوتر طلسم تعصب مذهبی و سد تاریک استیلا و استبداد کشیشان کاتولیکی را نشکسته بود هنوز اروپا باین درجه تمدن و نورانیت نرسیده بود و شاید اصلاً تمدن نمیتوانست نمو کند. شکوفه نورسیده علم که تازه بواسطه هجرت و فرار حکما و علمای یونان از اسلامبول با اروپا در موقع استیلای ترکها در ممالک اروپا آغاز انبساط و نمو کرده بود بهیچ وجه تاب صرصر مخالف نداشت و لابد مانند ممالک اسلامی هر نهضت علمی بمجرد سردر آوردن تخم آن از خاک زیر موزه حامیان مقدس جهل و تعصب و حشیانه سائیده میشد. روحانیان کاتولیک اصلاً فرصت سئوال و جواب و منطق و استدلال بجایالات نازده میدادند و میر غضبهای کلیسا در یکدست پیشنهاد قبول تعبدی و در دست دیگر تازیانه تکفیر در پی تفتیش و معدوم ساختن تخم علم و حکمت بودند.

(۱) مقصود کسانی است که در مقام خدمت میکنند.

(۲) کرنفون در کتاب «پرورش کوروش» بنقل آرتور بوشه از آن

Martin Luther (۲)